



Identifying fundamental labor rights in the global and Islamic declaration of human rights

Abdullatif Amiri ¹

Rohullah Rahimi ^{*2}

Ali Faghih Habibi ³

Received date: 2024/05/27

Acceptance date: 2024/07/06

Extended abstract

Introduction : In 1998, the Declaration of Fundamental Principles and Rights at Work was adopted by the General Conference of the International Labor Organization. This declaration introduced the subject of eight fundamental conventions, namely forced labor, prohibition of forced labor, freedom of association, the right to collective bargaining, equal pay, prohibition of discrimination in employment and occupation, minimum age for work, and elimination of the worst forms of child labor, as fundamental labor rights and required the governments that ratified this declaration to observe them. This issue has also been considered in other international and regional documents such as the Universal and Islamic Declarations of Human Rights. In this study, fundamental labor rights are identified in a comparative manner in the Universal and Islamic Declarations of Human Rights, which shows the comparative aspect of the discussion of the importance and necessity of the subject, because until now, no research has been conducted that has discussed and examined fundamental labor rights in the Universal and Islamic Declarations of Human Rights in a comparative manner.

This research aims to explain fundamental labor rights and their components, and seeks to provide answers to questions such as: What are fundamental labor rights? And what is the approach of the universal and Islamic declarations of human rights in relation to this issue? The Universal Declaration of Human Rights, in Article 23, clearly addresses some examples of fundamental labor rights and stipulates as follows : "Everyone has the right to work and to free choice of employment, to equal pay for equal work, and to the right to form and join unions. Articles 4, 25, and 6 of the Universal Declaration also emphasize the prohibition of slavery, the upbringing, rights, and education of children. The issue of fundamental labor

¹. Ph.D. student, public law, South Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. abdullatif.amiri1369@gmail.com

²*Assistant Professor, Department of Law, South Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (corresponding Author) rahimi.mehr48@yahoo.com

³. Associate Professor, Department of Law, South Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. faghih.habibi@gmail.com

rights is supported and emphasized in Articles 7, 9 ,11 ,and especially in Article 13 of the Islamic Declaration.

Methodology : This research was conducted using a descriptive-comparative method and in terms of data collection, it was conducted by studying Islamic and universal declarations of human rights, the views of Islamic jurists, documents related to the aforementioned declarations ,and reliable sources, using a questionnaire tool .Method Collection Data To Face Library and To Syntax Field It is.

Tools Collection Information is the same as pens, notebooks, sheets of paper, electronic devices, and some other device.

Results: The research findings indicate that Articles 4, 25, 26 ,and especially Article 23 of the Universal Declaration and Articles 7, 9, 11 ,and especially Article 13 of the Islamic Declaration address fundamental labor rights.

Summary and abstract of the present discussion: A review of the Universal and Islamic Declarations of Human Rights shows that both of the above documents have given attention and emphasis to the issue of fundamental labor rights. This issue has been emphasized in the Islamic Declaration of Human Rights in a very broad and qualitative way, going beyond the Universal Declaration of Human Rights. Of course, despite the great emphasis on its observance, this issue in the Islamic Declaration faces limitations such as compliance with the provisions of Islamic Sharia and the interests of society.

Conclusion: A review of the Universal and Islamic Declarations of Human Rights shows that both of the aforementioned documents have considered and emphasized the issue of fundamental labor rights. This issue has been emphasized in the Islamic Declaration of Human Rights in a very broad and qualitative manner and beyond the Universal Declaration of Human Rights. Of course, in general, both declarations in the field of fundamental labor rights not only do not differ in substance and are not in opposition or conflict and do not negate each other, but both pursue the same goal and have been formulated and approved to support and defend human rights. That is, they are the same in generalities and in many cases and issues, they are the same and in some cases different from each other, and their commonalities are greater than their differences, because many of the issues that the Universal Declaration of Human Rights has considered have been mentioned and emphasized centuries ago in the verses of the Holy Quran and the hadiths of the Prophet Muhammad (PBUH). Of course, the Universal Declaration of Human Rights is contrary to Islamic law in some cases, which should not be forgotten, such as freedom of religion and changing it, etc. These contradictions led to the formulation of the Islamic Declaration of Human Rights. In the Universal Declaration, work is viewed as an economic phenomenon, but in the Islamic Declaration, work is recognized as a right as well as a social responsibility. Therefore, from the perspective of the Islamic Declaration, the worker, the employer, society and the state have responsibilities in terms of providing jobs, performing work responsibly and ensuring fair relations between the worker and the employer.

Keywords: prohibition of forced labor, freedom of trade union and the right to negotiate, prohibition of discrimination, prohibition of child labor, global and Islamic announcements

شناسایی حقوق بنیادین کار در اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر

عبداللطیف امیری^۱ روح اله رحیمی^{۲*} علی فقیه حبیبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

چکیده

زمینه و هدف: سازمان بین‌المللی کار طی اعلامیه ای در سال ۱۹۹۸ چهار محور اصلی یعنی کار اجباری و منع آن، حداقل سن کار و منع کار کودک، آزادی سندیکا و حق مذاکره جمعی، تساوی در مزد و منع تبعیض در اشتغال و استخدام را که موضوع هشت مقاوله‌نامه بنیادی بود به عنوان حقوق بنیادین کار معرفی و دولت های که این اعلامیه را تصویب نموده‌اند ملزم به رعایت آن نمود. این موضوع در اعلامیه‌های جهانی و اسلامی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته است. نگاره پیشرو در پاسخ به این پرسش که کدام یک از اعلامیه‌های فوق بیشتر موضوع حقوق بنیادین کار را مورد توجه قرار داده، صورت گرفته است.

روش تحقیق: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تطبیقی و به لحاظ گردآوری اطلاعات با مطالعه اعلامیه‌های اسلامی و جهانی حقوق بشر، دیدگاه فقه‌های اسلام، اسناد مرتبط با اعلامیه‌های مزبور و منابع معتبر به ویژه مقالات نشر شده در فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد بناب دانشگاه آزاد اسلامی، با ابزار فیش‌برداری، مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش بیانگر آنست که در مواد ۴، ۲۵، ۲۶ و به ویژه در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی و در مواد ۷، ۹، ۱۱ و مخصوصاً در ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی در رابطه به حقوق بنیادین کار پرداخته شده است. به نظر می‌رسد هر دو اعلامیه فوق بر رعایت حقوق بنیادین کار تاکید نموده‌اند، اما این موضوع در اعلامیه اسلامی با وجود تاکید بسیار بر رعایت آن با محدودیت‌هایی همچون مطابقت با احکام شریعت اسلامی و مصلحت جامعه روبه‌رو بوده است.

واژگان کلیدی: منع کار اجباری، آزادی سندیکا و حق مذاکره، منع تبعیض، منع کار کودک، اعلامیه‌های اسلامی و جهانی.

abdullatif.amiri1369@gmail.com

rahimi.mehr48@yahoo.com

faghih.habibi@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^{۲*} استادیار گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در سال ۱۹۹۸ اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار توسط کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار به تصویب رسید که این اعلامیه موضوع هشت مقاله نامه بنیادی یعنی کار اجباری، منع کار اجباری، آزادی سندیکایی، حق مذاکره جمعی، تساوی مزد، منع تبعیض در اشتغال و حرفه، حداقل سن کار و محو بدترین اشکال کار کودک را به نام حقوق بنیادین کار معرفی و دولت های که این اعلامیه را تصویب نموده اند ملزم به رعایت آن نمود. این موضوع در اسناد دیگر بین المللی و منطقه ای مانند اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش حقوق بنیادین کار به گونه تطبیقی در اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر مورد شناسایی قرار می گیرد که جنبه تطبیقی بودن بحث اهمیت و ضرورت موضوع را نشان می دهد، چون هنوز پژوهشی که حقوق بنیادین کار را در اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر به گونه تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار داده باشد انجام نشده است. همچنین تطبیق اسناد فوق می تواند از یک سو گره گشای چالش های پیش آمده در بین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی گردیده و از سوی دیگر موجب روشن شدن موضوع حقوق بنیادین کار در اعلامیه اسلامی شده که خود می تواند گره گشای برخی مشکلات در کشورهای ایران و افغانستان به عنوان دو کشور اسلامی گردد، به ویژه کشور افغانستان که سالها در جنگ بوده و قانون کار آن نیازمند بازنگری جدی بوده که این امر می تواند در بهتر شدن حقوق کار و مخصوصاً حقوق بنیادین کار در افغانستان کمک شایانی کند.

این پژوهش با اهداف تبیین حقوق بنیادین کار و مولفه های آن، شناسایی مولفه های حقوق بنیادین کار در اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر انجام شده و در پی ارائه پاسخ به پرسش های از این قبیل است: حق بنیادین کار چیست؟ و رویکرد اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر در رابطه به این موضوع چگونه است؟ همان گونه که گذشت حقوق بنیادین کار مجموعه خاصی از حقوقی به رسمیت شناخته شده کار از سوی سازمان بین المللی کار و دیگر مؤسسات بین المللی است که در زمان های گذشته به کار گرفته شده و در برگرنده هشت موضوع حقوق و آزادی های کار می باشد که در سال ۱۹۹۸ میلادی طی اعلامیه ای توسط سازمان بین المللی کار به نام حقوق بنیادین کار معرفی شد. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۳ به گونه روشن به برخی از مصادیق حقوق بنیادین کار پرداخته و چنین مقرر نموده است: «هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند، و حق دارد در مقابل کار برابر مزد برابر دریافت نماید، همچنین حق تشکیل اتحادیه و حق پیوستن به اتحادیه را دارد. در مواد ۴، ۲۵ و ۶ اعلامیه جهانی در مورد منع بردگی، تربیت، حقوق و آموزش کودکان نیز تأکید شده است. موضوع حقوق بنیادین کار در ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز مورد حمایت و تأکید قرار گرفته است. و این ماده؛ کار را حقی دانسته که باید دولت و جامعه برای هر کسی که توانایی انجام آن را داشته باشد تضمین کند و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه ای که مصلحت خود و مصلحت جامعه برآورده شود. ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی، کار اجباری را به گونه ای صریح ممنوع اعلام نموده و هر کارگری را چه مرد و چه زن دارای مزد عادلانه دانسته و برای حل اختلاف میان کارگران و کارفرمایان، دولت را موظف نموده تا بدون اینکه به نفع طرفی عدول کند، دخالت نموده و اختلافات به وجود آمده را حل نماید. همچنین در برخی مواد دیگر اعلامیه اسلامی مانند مواد ۷، ۹ و ۱۱ نیز در مورد حقوق کودکان و تربیت و نگهداری آنها و ممنوعیت استعمار و بردگی تأکید شده است. همچنین ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی کارگر را موظف نموده تا در کار خود اخلاص و درستکاری نماید. افزون بر این، ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی برخلاف اعلامیه جهانی، تعهدات مهمی را برای دولت در حوزه کار تعریف نموده است.

در پژوهش حاضر ابتدا حقوق بنیادین کار و اعلامیه‌های جهانی و اسلامی به گونه‌ای مختصر معرفی شده و سپس حقوق بنیادین کار در اعلامیه‌های فوق مورد شناسایی قرار می‌گیرد. این تحقیق تنها هر دو اعلامیه جهانی و اسلامی را مورد مطالعه قرار داده و روشن می‌سازد که کدام یک بیشتر مولفه‌های حقوق بنیادین کار را مورد توجه قرار داده است.

پیشینه پژوهش

سپهری (۱۴۰۰) در کتاب تحت عنوان «حقوق بنیادین کار» چنین نگاشته: در بین مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار آن دسته از مقاوله‌نامه‌هایی که به حقوق بنیادین کار مربوط می‌شوند از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردارند زیرا هر یک از آن‌ها به یکی از آزادی‌های کار و یا منع تبعیض مربوط می‌شوند.

بیگی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «حق بر آزادی کار و منع بیگاری در نظام بین‌المللی کار و حقوق اسلام» چنین بیان می‌کنند: اسلام دارای کامل‌ترین نظام اقتصادی در باره کسب و کار است و آن را بالاترین ارزش‌ها در زندگی قلمداد می‌کند و بالعکس بیگاری را به شدت مذمت نموده است.

مختار بیداروند و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای زیر عنوان «فیلترینگ تلگرام از بایستگی امنیت ملی تا نقض آزادی بیان» به این نتیجه دست یافتند: اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ در بند الف ماده ۲۲ مقرر داشته است: «همگی در راستای آزادی بیان و به رسمیت شناختن آن می‌باشد».

کولبن^۱ (2010) در تحقیقی تحت عنوان «حقوق کار به عنوان حقوق بشر» چنین بیان می‌کند: در سال ۱۹۹۸ سازمان بین‌المللی کار اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار را تصویب نمود. این اعلامیه تلاشی بود تا حدی برای دستیابی به درجه از اخلاق، سیاست و اجماع قانونی در مورد آنچه که حقوق کار به رسمیت شناخته شده جهانی را تشکیل می‌دهد. در این اعلامیه سازمان بین‌المللی کار چهار دسته از حقوق را به عنوان حقوق اصلی کار تعیین کرده است: آزادی تشکل و مذاکرات دسته جمعی، لغو کار اجباری، حذف کار کودکان و منع تبعیض. اما در پژوهش‌های فوق به گونه تطبیقی به هر دو اعلامیه اسلامی و جهانی حقوق بشر با در نظر داشت حقوق بنیادین کار اشاره‌ای نشده است. بنابراین با توجه به مقالات بالا نویسندگان این مقاله بر آن شدند تا موضوع حقوق بنیادین کار را در اعلامیه‌های جهانی و اسلامی حقوق بشر به گونه تطبیقی مورد بحث و شناسایی قرار بدهند. تا جنبه جدید بودن و نیز نوآوری این مقاله روشن شود.

اگر مولفه‌های حقوق بنیادین کار را در اعلامیه‌های جهانی و اسلامی حقوق بشر مورد شناسایی و ارزیابی قرار بدهیم، یا مصادیق و مولفه‌های حقوق بنیادین کار را در اعلامیه‌های یاد شده مورد تطبیق و مقایسه قرار داده و اشتراکات و افتراقات آنها را با دید مثبت و تفاهم و به گونه منصفانه تبیین و مشخص کنیم، بحث بسیار با فایده، علمی و حقوقی خواهد بود که نزدیک ساختن اعلامیه‌های مزبور به همدیگر سبب تحقق یافتن هرچه بیشتر رعایت حقوق بنیادین کار خواهد گردید. چنانچه در صفحات پیشین گذشت منظور این پژوهش صرفاً شناسایی مولفه‌های حقوق بنیادین کار در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (که برگرفته از دیدگاه فقه‌های مذاهب اسلامی است) می‌باشد. در این قسمت لازم است حقوق بنیادین کار و مولفه‌های آن و اعلامیه‌های جهانی و اسلامی حقوق بشر به معرفی گرفته شود.

1. kolben

۱- مفهوم حقوق بنیادین کار و مولفه های آن

حقوق بنیادین کار حداقل حقوق در ارتباط با اشتغال می باشد که برای حفظ، شخصیت و کرامت انسانی ضروری و در مورد همه انسان ها در هر زمان و مکان لازم الرعایه هستند. و عناوین اصلی ای که سازمان بین المللی کار به عنوان گروه های تشکیل دهنده حقوق بنیادین کار به استناد مقاوله نامه های خود معرفی کرده است عبارتند از:

۱. آزادی سندیکا و حق مذاکره جمعی؛

۲. برچیده شدن هر گونه کار اجباری یا بیگاری؛

۳. حداقل سن کار و منع کار کودکان؛

۴. تساوی مزد و ممنوعیت تبعیض در اشتغال و حرفه (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۴). با نگاهی به فهرست بالا می توان گفت آنچه که سبب تمایز آن ها از سایر حقوق مربوط به کار شده، از دیدگاه حقوق بشری اهمیت بیشتری دارد. این اهمیت تا جایی است که از آن به عنوان جنبه های حقوق بشری حقوق کار نام برده و گفته اند: مفاهیم در پیوند با حقوق بنیادین کار، از هنگام برپا شدن سازمان بین المللی کار، در بسیاری از مقاوله نامه ها و توصیه نامه های این سازمان مورد تأکید قرار گرفته است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

با این نگاه آنچه در تمامی نظام های حقوقی به صورت مشترک مؤثر بوده یا بیشترین تأثیر را داشته است و به اصول و فقه های قوانین و دستورالعمل های کار تبدیل شده را می شود حقوق بنیادین کار نامید. و به تعبیری این اصول را می شود به عنوان حقوق کار بشر نام گذاری نمود (مشهدی و سرحدی، ۱۳۹۶: ۲). لازم است در این قسمت در مورد اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار و مقاوله نامه های مربوط به گونه مفصل تر پرداخته شود.

در سال ۱۹۹۷ مدیر کل وقت دفتر بین المللی کار، طی گزارشی به کنفرانس بین المللی کار، در خصوص ضرورت تصویب یک اعلامیه در مورد اصول و حقوق بنیادین کار تأکید کرد که حاصل آن تصویب «اعلامیه مربوط به اصول و حقوق بنیادین کار» در تاریخ ۱۸ ژوئن سال ۱۹۹۸ بود (پورجعفر، ۱۳۸۹: ۷۸).

این اعلامیه چهار دسته از اصول و حقوق را به عنوان اصول و حقوق بنیادین کار در سراسر جهان اعلام می کند که به مولفه های چهارگانه حقوق بنیادین کار نیز معروف اند. این اصول و مولفه ها علاوه بر اساسنامه سازمان، متخذ است از هشت مقاوله نامه که از دید جامعه بین المللی و خود سازمان بین المللی کار، بنیادین قلمداد می شوند (عراقی و رنجبریان، ۱۳۹۵: ۲۸۶). این مقاوله نامه ها عبارت است از: مقاوله نامه کار اجباری (شماره ۲۹) که ضمن تأکید بر القای کار اجباری و توأم با زور استثنائاتی را برای به کار گماردن اجباری افراد ارائه نموده و به شرایط کار افرادی که به کار اجباری گمارده شده پرداخته است. مقاوله نامه لغو کار اجباری (شماره ۱۰۵) شرایط و موقعیت هایی را که نباید در آنها افراد به کار اجباری گمارده شوند تشریح می کند. مقاوله نامه های شماره ۸۷ و ۹۸ به کارگران و کارفرمایان حق نهادینه کردن تشکلهای و مذاکرات جمعی را داده و هر گونه مداخله دولت را ممنوع اعلام نموده است. مقاوله نامه شماره ۱۰۰ مکانیزم هایی را که کشورها باید جهت رعایت تساوی دریافت مزد برابر کارگران در نظر بگیرند، تبیین می کند. مقاوله نامه شماره ۱۱۱ دولت های عضو را به اتخاذ تدابیر و راهکارهایی جهت جلوگیری از تبعیض در استخدام، اشتغال و حرفه آموزی دعوت می نماید. مقاوله نامه شماره ۱۳۸ سند جامعی است که جایگزین چندین مقاوله نامه بین المللی کار در خصوص حداقل سن در کارها و مشاغل مختلف که پیش از آن تصویب شده بودند گردیده است.

مقاوله نامه شماره ۱۸۲ دولت ها را به طراحی و اجرای برنامه هایی جهت دور ساختن کودکان از بدترین اشکال کار دعوت نموده و راهکارهایی را در این خصوص ارائه کرده است. در موازین حقوق بشری به ابعاد مختلف حقوق کارگران اشاره شده است (سعیدیان، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۳؛ سازمان

بین‌المللی کار^۱، ۲۰۲۲: ۱). زیرا آنها استانداردهای اصلی کار را که به عنوان مهم‌ترین اصول کار مربوط به حقوق بشر کارگران تعریف می‌شوند، نشان می‌دهند (جان کی^۲ ۲۰۱۴: ۳۷۸).

این اعلامیه تلاشی بود تا حدی برای دستیابی به درجه از اخلاق، سیاست و اجماع قانونی در مورد آنچه که حقوق کار به رسمیت شناخته شده جهانی را تشکیل می‌دهد (کولبن^۳، ۲۰۱۰: ۴۵۴).

۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این اعلامیه با ۴۸ رأی موافق و ۸ رأی ممتنع تصویب شد. ۶ کشور کمونیستی به خاطر عدم توجه به حقوق فردی؛ آفریقای جنوبی به نسبت آنکه جایگاه حقوقی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در اعلامیه نمی‌دانست و آپارتاید فوق‌العاده در آن کشور وجود داشت؛ و عربستان سعودی که موافق آزادی مذهبی نبود، از جمله ۸ کشور ممتنعین بودند (هاشمی، ۱۴۰۰: ۱۵۲-۱۵۱). کشورهای ایران و افغانستان از جمله اولین کشورهایی بودند که به اعلامیه مزبور رأی موافق دادند. شوروی، اوکراین، لهستان، یوگسلاوی، بلاروس و چکسلواکی، از جمله کشورهای کمونیستی بودند که به این اعلامیه رأی ممتنع دادند. اعلامیه جهانی حقوق بشر نخستین سند حقوقی در زمینه مسائل حقوق بشری است که پس از تأسیس سازمان ملل متحد صادر شده است. هرچند گفته شده این اعلامیه از نظر حقوقی جنبه توصیه‌ای داشته و الزام آور نیست (برزگرزاده، ۱۴۰۰: ۸۱-۸۰) اما پایبندی و پذیرش حقوق عرفی بین‌الملل تا اندازه‌ی قواعد آن را الزام‌آور ساخته است (فرضی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۵۹).

اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل یک مقدمه و ۳۰ ماده است. مقدمه اعلامیه مبین اندیشه‌های زیربنایی است که الهام بخش نویسندگان اعلامیه در تدوین مواد پسین بوده است، مانند اتحاد خانواده بشری، کرامت شخص انسان، حقوق بنیادین زن و مرد، و سرانجام رعایت این حقوق در نظام داخلی و برقراری صلح بین ملت‌ها (صفائی، بی‌تا: ۳-۴).

۱. مواد ۱ و ۲ پایه‌ی اصلی مفاهیم کرامت، آزادی، برابری و برادری را بنا می‌کنند و برای همه انسانها بدون هیچ تمایزی حقوق قایل شده‌اند.

۲. مواد ۳ تا ۵ به سایر حقوق فردی مانند حق زندگی آزاد و منع برده داری و منع شکنجه و... می‌پردازند.

۳. مواد ۶ تا ۱۱ به اساس قانون حقوق بشر با تمهیداتی برای دفاع در زمان نقض قوانین، اشاره می‌کنند.

۴. مواد ۱۲ تا ۱۷ به حقوق فردی در جامعه از قبیل حق انتخاب محل اقامت و ترک آن، داشتن تابعیت، زناشویی، حق مالکیت و ... می‌پردازند.

۵. مواد ۱۸ تا ۲۱ به آزادی سیاسی، عمومی و روانی از جمله آزادی اندیشه، نظر، دین، وجدان، حرف، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن و حق شرکت افراد در مدیریت کشور خود می‌پردازند.

۶. مواد ۲۲ تا ۲۷ به پاره‌ای از حقوق مانند حق کار، حق انتخاب آزادی کار، آزادی‌های سندیکائی، حق برخورداری از تأمین اجتماعی، دفاع از سلامت، حقوق مادران و کودکان، حق تفریحات، حق آموزش و پرورش، حق شرکت در زندگی فرهنگی و پیشرفت علمی، حق حمایت از ابداعات، ادبی و هنری اشاره می‌کنند (صفائی، بی‌تا، ص. ۴-۵).

۷. مواد ۲۸ تا ۳۰ نیز بر روش استفاده از قوانین اعلام شده و همچنین مواردی که قابل اجرا نیستند، می‌پردازد.

¹. ILO

². Jone K

³ Kolben.

۳- اعلامیه اسلامی حقوق بشر

هرچند با تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، جامعه جهانی به نقطه عطفی در دریافت حقوق ضایع شده خود رسید، بسیاری از کشورها با پذیرش اعلامیه یادشده خود را از قید جنگها و بی عدالتی ها رها شده دیدند. اما تفکرات و رأی غیر دینی برخی از نویسندگان حاضر در جلسه تصویب این اعلامیه، سبب شد تا بعضی از مواد اعلامیه خارج از دایره نیازهای واقعی و فطری بشر نگاشته شود؛ مانند ماده ۱۶ (استخری و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳-۱۲).

این اعلامیه در مواردی با احکام اسلامی کاملاً مغایر بود که از جمله می توان به حق آزادی مذهب و حق تغییر آن اشاره نمود (ماده ۱۸) (فرضی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶۴).

بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران و افغانستان از همان ابتدا اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضاء نموده اند. اما پس از تدوین این اعلامیه، پاره ای از کشورهای اسلامی، از جمله ایران، عربستان، الجزایر و ...، برخی بندهای آن را خلاف تعالیم و آموزه های اسلامی دانسته و بر این اساس، مخالفت خود را با این بخش ها ابراز کرده و کوشش نموده اند تا این قسمت ها را براساس تعالیم و رهنمودهای اسلام، بازنویسی و تغییر دهند. چون دین مبین اسلام اساس فضیلت و شرف و برتری را ایمان صحیح و فضائل اخلاقی می داند. با توجه به این دیدگاه میان کشورهای مسلمان، چهار اعلامیه در مورد حقوق بشر اسلامی به تصویب کشورهای اسلامی رسید:

۱. اعلامیه حقوق و تکالیف انسان در اسلام که در سال ۱۹۷۹ به وسیله رابطه العالم الاسلامی در عربستان منتشر شد؛

۲. اعلامیه جهانی اسلام که به وسیله شورای اسلامی - اروپایی در سال ۱۹۸۰ منتشر گردید؛

۳. بیانیه جهانی حقوق بشر در اسلام که در سال ۱۹۸۱ منتشر شد؛

۴. اعلامیه اسلامی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۰ تصویب شد. و رسمی ترین این اعلامیه ها اعلامیه اسلامی حقوق بشر است که نخست در سال ۱۹۸۹ در متنی ۳۲ ماده ای در کنفرانس تهران ارائه شده بود. این اعلامیه به نام بیانیه قاهره هم معروف شده است (فرضی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۵۹-۲۶۰؛ کوثری و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۹).

اعلامیه اسلامی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۲۵ ماده می باشد. مقدمه آن با این عبارات شروع می شود: «دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمت ها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گرداند ...» پس از آن مواد بیست و پنج گانه را ارائه داده است. در مجموع، محتوای این اعلامیه همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر صرفاً یک اعلامیه مشترک از حقوق اسلامی است و نه کنوانسیون یا معاهده ای الزام آور. این اعلامیه مانند اعلامیه جهانی، بر شرافت و کرامت ذاتی انسان تکیه کرده، البته در اسلام کرامت یکی ذاتی است و یکی هم اکتسابی؛ کرامت ذاتی یعنی اینکه خداوند (ج) انسان را به گونه ای خلق نموده است که نسبت به دیگر مخلوقات برتر است. چنانچه در آیه ۷۰ سوره اسراء می فرماید: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَحْشِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً) ترجمه: بی گمان، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا سیرشان دادیم و از چیزهای پاکیزه روزی شان کردیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده های خویش برتری کامل دادیم. اما کرامت اکتسابی اینکه انسان با کمک از تقوی و پرهیزکاری می تواند کسب نماید. چنانچه الله متعال در قسمت از آیه ۱۳ سوره حجرات می فرماید: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ) ترجمه: مسلماً گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

دیگر اینکه برخی از اصولی که به عنوان حقوق و آزادی های اساسی در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، در این اعلامیه نیز تأکید شده. برخی از حقوقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیامده در اعلامیه اسلامی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است، مانند ممنوعیت استعمارگری و حق مبارزه با آن یا حق مطالبه یا تجاوز به زندگی انسان، همچنین حق حیات در محیط پاک و دور از مفسد اخلاقی و داشتن امنیت دینی و نیز لزوم حفظ حرمت انسان حتی پس از زندگی او و محترم شمردن جنازه او (فرضی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶۵-۲۶۴).

۴- رویکرد اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر در رابطه به حقوق بنیادین کار

حقوق بشر از جمله حقوقی است که به بشریت امروز در خصوص فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و از جمله روابط کاری و حقوق بنیادین کار مدد می رساند. حقوق کار و از آن راه حقوق بنیادین کار به دلیل نشأت گرفتن از یک ریشه و اصل و پیگیری هدف مشترک با حقوق بشر، دارای تأثیر و تأثر بسیار خواهند بود. بدین وسیله در موازین حقوق بشری به ابعاد مختلف حقوق کارگران اشاره شده است. در این بخش مولفه های چهارگانه حقوق بنیادین کار را به ترتیب در اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر مورد شناسایی قرار خواهیم داد.

۴-۱- کار اجباری و منع آن

اعلامیه اسلامی حقوق بشر به گونه صریح در ماده ۱۳ به موضوع منع کار اجباری پرداخته و چنین مقرر داشته است: «کار حقی است که باید دولت و جامعه برای هرکسی که توانایی انجام آنرا داشته باشد، تضمین نماید، و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود و ادامه می دهد: هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمینات اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توان انجامش را ندارد واداشت یا او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره کشی کرد یا به او زیان رساند». این امر در بند ۱ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تأکید شده و چنین آمده است: «هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب نماید، شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا باشد و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است».

ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی که در قسمتی از این ماده در مورد منع کار اجباری صحبت شده، نسبت به بند ۱ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر از چند جهت کامل، همه جانبه و درخور ستایش به نظر می رسد؛ اول اینکه دولت و جامعه را مکلف می کند تا برای افراد شایسته و توانا و اهل کار زمینه کار کردن را تضمین نمایند. همچنین از واژه توانایی یا قادر استفاده شده، مفهوم مخالفش اینکه اگر توانش را نداشته باشد، نباید اجبار به کار شود. دوم اینکه می گوید هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه ای که مصلحت خود و جامعه برآورده شود. اینجا قید کار شایسته یعنی کارهای مثل قمار، شراب فروشی و ربا و ... نباشد. و دیگر اینکه مصلحت خود و جامعه را برآورده نماید. اینچنین موارد در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر دیده نمی شود. در ادامه همین ماده ۱۳ آمده است: «هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمینات اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت». این در حالی است در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر مواد آن به طور صریح از کار اجباری صحبت نشده، فقط از برخی مصادیق آن یادآوری نموده است. مثلاً چنانچه گفته شد؛ در بند ۱ ماده ۲۳ این اعلامیه آمده است: «هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند، شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا باشد و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است». اینجا فقط با آوردن آزادانه شغل خویش را انتخاب نماید و شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا باشد اکتفا نموده و از واژه اجبار و اکراه نامی نبرده است. بنابراین، اعلامیه اسلامی در مورد کار اجباری و منع آن به گونه جدی تر پرداخته و با مقوله نامه های شماره ۲۹ و ۱۰۵ سازمان بین المللی کار مطابقت بیشتر دارد.

۴-۲- تساوی دستمزد و منع تبعیض در اشتغال و حرفه

طبق بند ۲ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرانسانی سزاوار است تا بدون رواداشت هیچ تبعیضی برای کار برابر، مزد برابر دریافت نماید. این امر در ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر چنین آمده است: «هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می کند سریعاً دریافت نماید و نیز حق استفاده از پاداشها و مرخصی ها و ... را دارد و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد.» به نظر می رسد ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر باهم با مقاوله نامه شماره ۱۰۰ سازمان بین المللی کار مطابقت بیشتر دارد؛ اینکه از واژه زن و مرد استفاده نموده است که این امر در مقاوله نامه مزبور نیز آمده است. همچنین با پیروی از سخن حضرت محمد (ص) که قرن ها پیش فرموده بود: «عرق کارگر خشک نشده، مزد آن باید پرداخت شود.» مقرر داشته به گونه عادلانه و زود پرداخت شود. در حالیکه در بند ۲ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر با آوردن ... بدون رواداشت هیچ تبعیض برای کار برابر، مزد برابر دریافت نماید اکتفا شده است. و در ضمن اعلامیه اسلامی حقوق بشر برای بهتر انجام شدن کار، کارگر را به درستکاری و اخلاص مکلف نموده است.

طبق ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر هر شخص در انتخاب کار خود آزاد است، به شرطی که کار شایسته باشد تا مصلحت خود و جامعه برآورده شود. همچنین دولت و جامعه را مکلف نموده است تا برای افرادی که توانایی و شایستگی کار را داشته باشد، زمینه کار را مساعد نماید. همچنین در ماده ۱۴ این اعلامیه آمده است: «انسان حق دارد، کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران. و ربا شدیداً ممنوع می باشد». افزون بر این در بند ۲ ماده ۲۳ اعلامیه فوق آمده است: «هرانسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت نماید. همچنین او می تواند پست های عمومی را بر طبق احکام شریعت متصدی شود». چنانکه دیده می شود مواردی که در اعلامیه اسلامی در مورد حق انتخاب شغل و یا منع تبعیض در تساوی مزد و انتخاب اشتغال و حرفه آمده با مقاوله نامه های ۱۰۰ و ۱۱۱ سازمان بین المللی کار تقریباً یکی است. و هیچ تفاوتی میان زن و مرد قرار نداده و یگانه موردی که زیاد تأکید نموده مسئله ایمان به الله است.

اما از اینکه اعلامیه اسلامی مطابق فقه اسلامی و دیدگاه فقه های مذاهب اسلامی تدوین و تصویب شده است؛ فقه های جهان اسلام با استناد به آیات، احادیث و روایات تاریخی به این دیدگاه هستند که زنها از برخی وظایف از جمله شغل قضاوت، حکومت داری و ... منع شده اند و مکلف به انجام آن نیستند، و در مقابل مکلف هستند تا به تربیت فرزندان و امور خانه بپردازند. اعلامیه اسلامی حقوق بشر با پیروی از نظر علما و فقه های اسلام، در مواد ۲۴ و ۲۵ کلیه حقوق و آزادی ها را مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی دانسته می فرماید: «کلیه حقوق و آزادی های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی می باشد. (ماده ۲۴). و شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه می باشد (ماده ۲۵)». در این رابطه (اینکه خانم ها در چه وظایفی و به چه دلایلی نمی توانند انجام اشتغال نمایند) بحث های بسیار طولانی و درازی وجود دارد که پرداختن به هریکی آنها از حوصله پژوهش پیش رو بیرون است، در اینجا به برخی از کتب و نظرات فقها می پردازیم: مرتضی مطهری می گوید: «احساسات مرد مبارزانه و جنگی و احساسات زن صلح جویانه و نرمی است، زن در اموری که مورد علاقه و یا ترس است زودتر زیر تأثیر خویش قرار می گیرد» (مطهری، ۱۴۲۰: ۱۷۹-۱۷۸). علامه طباطبایی معتقد است زن توان زمامداری جامعه را ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ۳۴۷). زن و مرد از لحاظ ویژگی های طبیعی و خصوصیات روحی و جسمی تفاوت هایی با یکدیگر دارند، ولی این تفاوت ها به معنی ناقض بودن یکی از آنها نیست بلکه بیانگر آنست که خداوند متعال (ج) برای تحکیم روابط اجتماعی و نظام خانواده و استواری نظام خلقت، این تفاوت ها را در خلقت مرد و زن قرار داده تا آنها مسئولیت های متناسب خود را به عهده بگیرند (منتظری، ۱۳۶۹: ج ۱، ۳۴۴).

آیت الله محمد مؤمن قمی و ابن حزم اندلسی هم یکی از شرایط حاکم را مرد بودن دانسته اند (مؤمن قمی، ۱۴۲۵: ج ۳، ۱۹۴؛ ابن حزم، ۱۳۹۴: ج ۴، ۱۶۶). وهبه زحیلی نیز ساختار جسمانی و روحانی زن را مانع رهبری می داند (زحیلی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۶۰۱). علما و فقه های اسلام همان ویژگی هایی که در حاکم شرط می دانند در قاضی نیز شرط دانسته اند. البته همه فقه های مذاهب اسلامی با شرایط و موارد بالا موافق نیستند. ولی اکثر آنها به

این دیدگاه‌اند که زن حاکم و قاضی در جامعه اسلامی نمی‌تواند باشد. آنها به آیات و روایات زیادی استناد می‌کنند. از جمله به آیه ۳۴ سوره نساء که الله متعال می‌فرماید: الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاء. ترجمه: مردان سرپرست زنان هستند. و حدیث لن یفلح قوم و لوا امرهم إمرأه یعنی رستگار نمی‌شوند قومی که زنی را به سرپرستی خود بگمارند. هرچند فقه‌های مذاهب اسلامی در رابطه به این آیه و حدیث دیدگاه واحد ندارند اما اکثر فقها در رابطه به منع شغل حکمرانی و قضاوت زنان به این آیه و حدیث استناد نموده‌اند.

برعکس این موارد، اعلامیه جهانی حقوق بشر به گونه کلی مقرر داشته که «هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب نماید».

۴-۳- آزادی سندیکا و مذاکره جمعی

در بند ۴ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر شخص حق دارد که برای حفاظت از منافع خود اتحادیه صنفی تشکیل دهد یا به اتحادیه‌های صنفی بپیوندد. همچنین ماده ۲۰ این اعلامیه در دو بند در زمینه تشکیل انجمن صحبت نموده است که عبارتند از: «۱- هر انسانی محق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن‌های مسالمت آمیز است. ۲- هیچ‌کس نمی‌بایست مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شود». در حالیکه اعلامیه اسلامی حقوق بشر در انتهای ماده ۱۳ مقرر داشته است: «اگر کارگران یا کارفرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پابندی به عدل بدون اینکه به نفع طرفی عدول کند، دخالت نماید». اعلامیه اسلامی مشخصاً از سندیکا، تشکل و انجمن یاد نکرده ولی در بند ۱ ماده ۲۲ مقرر داشته است: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر گونه‌ای که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد».

چنانچه دیده شد بند ۴ ماده ۲۳ و ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر با مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار مطابقت بیشتر داشته و به گونه‌ای صریح و روشن از حق تشکل و انجمن و ... صحبت نموده و مورد توجه قرار داده است. البته بند ۱ ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر کارگران و کارفرمایان را به برپایی گردهمایی و تشکل به صورت مسالمت‌آمیز مکلف نموده است.

۴-۴- سن کار و ممنوعیت کار کودک

کار کودکان و تلاش برای کاهش و توقف آن اهمیت بسیار دارد، زیرا کودکان به عنوان بی‌پناه‌ترین قشر جامعه، که قدرت دفاع از خود را ندارند، در صورتی که قربانی نابرابری‌های اجتماعی گردند و به دلایلی، از جمله فقر، از تحصیل محروم و وارد چرخه کار اجباری شوند، مسیر جامعه نیز برای پیشروی به سوی توسعه پایدار با موانع دشوار روبه‌رو خواهد شد.

چنانچه در صفحات پیشین گذشت تلاش‌های جهانی برای کاهش و توقف کار کودک از سال‌ها پیش آغاز شده است؛ در سال ۱۹۷۳ سازمان بین‌المللی کار کنوانسیون شماره ۱۳۸ حداقل سن استخدام را تصویب کرد که به موجب آن، به کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع اعلام شد و برای مشاغل زیان‌آور نیز کودکان زیر هجده سال نباید استخدام می‌شدند. وفق ماده ۱ این کنوانسیون، دولت‌های عضو متعهد گردیده‌اند تا از سیاستی ملی پیروی نمایند که هدف آن لغو مؤثر کار کودکان باشد (ابدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

در سال ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار مقاوله‌نامه ۱۸۲ را زیر عنوان ممنوعیت کار کودک و اقدام فوری برای محو بدترین گونه‌های آن را تصویب نمود. این مقاوله‌نامه از کشورهای عضو می‌خواهد تا برای محو بدترین اشکال کار کودک اقدام نموده و از کار کودکان جلوگیری نمایند (خوش کار، عباسی، ۱۳۹۳: ۹۰).

اعلامیه های جهانی و اسلامی حقوق بشر به گونه صریح مطابق مقاوله نامه (۱۳۸) و مقاوله نامه (۱۸۲) در مورد حداقل سن کار و ممنوعیت و محو بدترین گونه های کار کودک نپرداخته اند، اما از مصادیق منع و محو بدترین اشکال کار کودک یادآوری نموده اند. مثلاً ماده ۴ اعلامیه جهانی مقرر داشته است: «هیچ کسی نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشته شود؛ بردگی و داد و ستد بردگان از هر گونه و به هر شکلی که باشد، باید جلوگیری شده و ممنوع گردد.

و یا در بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی آمده: «دوره مادری و دوره کودکی سزاوار توجه و مراقبت ویژه است... و از حمایت اجتماعی برخوردار شوند». همچنین در ماده ۲۶ این اعلامیه در مورد آموزش اجباری تأکید شده است که آموزش اجباری خود برای جلوگیری از کار کودکان نقش دارد. اعلامیه اسلامی حقوق بشر به این مسئله در چند جای اشاره نموده است. از جمله در مقدمه چنین پرداخته است: «دولت های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله ... و با تصدیق رسالت حضرت محمد (ص) که خداوند ایشان را به هدایت و آئین راستین فرستاده و وی را رحمتی برای جهانیان، و آزادگری برای بردگان گردانیده است، و رهائی انسان از بردگی را اعلام نموده است. و برای ایفای سهم خود در تلاش های بشری که مربوط به حقوق بشر است - حقوقی که هدفش حمایت از بشر در مقابل بهره کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در زندگی شرافتمندانه ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است». همچنین در ماده ۱۱ نیز دوباره تأکید بر منع بردگی نموده و چنین مقرر داشته است: «الف) انسان آزاده متولد می شود و هیچ کسی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور نمودن یا بهره کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی. ب) استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار اینکه بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می شود و ملت هایی که از آن رنج می کشند حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند». بنابراین، بردگی که از نوع بدترین اشکال کار کودک است در هر دو سند فوق مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ماده ۷ در بندهای ۱ و ۲ در مورد تربیت، نگهداری و حقوق کودکان تأکید نموده است که عبارتند از: «الف) هر کودکی از زمان تولد، حق بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. ب) در این بند در مورد نقش پدران در انتخاب تربیتی که منافع فرزندان شان را تضمین کند اشاره نموده است. یکی از راه های جلوگیری از کار کودکان فراگیری و رشد آموزش کودکان است. در بند ۱ ماده ۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به این امر تأکید شده است که چنین می فرماید: «طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راه ها و وسائل آنرا فراهم نموده و متنوع بودن آن را به گونه ای که مصلحت جامعه را برآورد، تأمین نماید».

اسلام دارای کامل ترین نظام حقوقی و اقتصادی در باره کسب و کار است. دین مبین اسلام کسب و کار را بالاترین ارزش ها در زندگی قلمداد کرده و بر عکس کار اجباری، کار کودکان، تبعیض در مزد و اشتغال و ... را به شدت مذمت نموده است. در قرآن کریم به کسب و کار با عناوین گوناگون در بیش از ۳۰ سوره و حدود ۵۰ آیه توصیه و تشویق شده است (بیگی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۸).

هرچند گفته شده است تمایز محسوسی میان ادبیات اعلامیه های اسلامی و جهانی حقوق بشر به چشم نمی خورد. مثلاً حقوقی چون حق حیات، حق کار، حق آزادی و رفت و آمد، منع بردگی، حق ازدواج، حقوق کودکان، حق آموزش و پرورش و غیره که در اعلامیه اسلامی حقوق بشر درج شده است، تقریباً همان حقوق و آزادی هایی است که پیش تر نیز در سایر اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است اند (کوثری و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۹-۶۰). و گویا اینکه متن اعلامیه اسلامی حقوق بشر از متن اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری نقل شده است. اما به زعم نگارنده از اینکه بسیاری از مواردی که در اسناد حقوق بشر به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین و تأکید شده است، قرن ها پیش در قرآن کریم آمده و توسط پیامبر اسلام (ص) به مردم معرفی شده است، و نمی توان گفت که اعلامیه اسلامی حقوق بشر از متون حقوق بشر غربی نقل شده است، چون این دیدگاه سبب می شود تا ما همه داشته های خود را به دست خود به دیگران ارزانی کنیم.

نتیجه‌گیری

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۸ میلادی طی اعلامیه‌ای موضوع هشت مقوله‌نامه بنیادی؛ آزادی سندیکا و حق مذاکره جمعی، کار اجباری و منع آن، تساوی در مزد و منع تبعیض در استخدام و حرفه، حداقل سن کار و منع کار کودک را به نام حقوق بنیادین کار به تصویب رساند. بررسی اعلامیه‌های جهانی و اسلامی حقوق بشر نشان می‌دهد که هر دو سند مذکور موضوع حقوق بنیادین کار را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. این موضوع در اعلامیه اسلامی حقوق بشر کما و کیفاً بسیار گسترده و فراتر از اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. البته در کل هر دو اعلامیه در زمینه حقوق بنیادین کار نه تنها تفاوت ماهوی ندارند و در تقابل و تعارض نمی‌باشند و یکدیگر را نفی نمی‌کنند بلکه هر دو یک هدف را دنبال کرده و برای حمایت و دفاع از حقوق انسانها تدوین و تصویب شده‌اند. یعنی در کلیات یکسان هستند و در فروعات نیز در بسیاری از موارد و مسائل، یکی و در برخی موارد با هم متفاوت‌اند، و مشترکات شان نیز نسبت به افتراقات‌شان زیادتر می‌باشد، چون بسیاری از موضوعاتی که اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار داده است، قرن‌ها پیش در آیات قرآن کریم و احادیث حضرت پیامبر اسلام (ص) آمده و مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. البته اعلامیه جهانی حقوق بشر در برخی موارد با شرع اسلام مغایر است که نباید از یاد برد مانند آزادی مذهب و تغییر آن و غیره. که همین مغایرت‌ها سبب تدوین اعلامیه اسلامی حقوق بشر شده بود.

برخی از مصادیق حقوق بنیادین کار که در اعلامیه جهانی صریحاً بیان نشده، اما در اعلامیه اسلامی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است، مانند ممنوع نمودن استعمار، که استعمار از بدترین عواملی است که در بسیاری از جوامع سبب پدید آمدن بردگی شده است. همچنین کار اجباری در اعلامیه اسلامی حقوق بشر به طور صریح ممنوع اعلام شده است. حداقل سن کار و ممنوعیت کار کودک را هیچکدام از اسناد مزبور به گونه روشن مورد توجه قرار نداده، تنها از برخی مصادیق آن نام برده‌اند، و از حق تشکل و آزادی انجمن در اعلامیه اسلامی به طور روشن صحبت نشده بلکه دولت را مسئول حل اختلاف میان کارگر و کارفرما دانسته و حق مداخله را به دولت داده است.

در اعلامیه جهانی به کار به عنوان یک پدیدار اقتصادی نگاه شده است، اما در اعلامیه اسلامی کار به عنوان یک حق و نیز یک مسئولیت اجتماعی شناسایی شده است. بنابراین از دید اعلامیه اسلامی؛ کارگر، کارفرما، جامعه و دولت مسئولیت‌هایی در زمینه تأمین شغل، انجام مسئولانه کار و تضمین مناسبات عادلانه میان کارگر و کارفرما دارند. همچنین از دیدگاه فقه‌های اسلام، کار تنها یک حق برای امرار معاش نیست، بلکه ارزش اجتماعی به شمار می‌رود. هرچند هر دو اعلامیه فوق بر رعایت حقوق بنیادین کار تأکید نموده‌اند، اما در اعلامیه اسلامی حقوق بشر این موضوع با محدودیت‌هایی رو به رو بوده است. به طور کلی اعلامیه اسلامی با وجود تأکید بسیار بر رعایت مولفه‌های حقوق بنیادین کار چند قید از جمله مطابقت با احکام شریعت اسلامی و مصلحت جامعه برای آن در نظره گرفته است.

منابع

قرآن کریم

ابدی، سعیدرضا؛ ابدی، علی رضا و آگاه، وحید (۱۳۹۲). تحلیل حقوقی و اندازه‌گیری کاستی‌های کار شایسته در ایران. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۳۹)، صص ۹۱-۱۲۸.

ابن حزم، علی بن احمد (۱۳۹۵). *الفصل فی الملل و الالهواء و النحل*، ج ۴. بیروت: دارالمعرفه.

استخری، طاهره؛ خاتون حاجیان، نرگس؛ و پورجواهری، علی (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر با آیه ۴۱ سوره عنکبوت در تشکیل خانواده. فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، ۱۵(۳)، صص ۲۸-۱۱.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰.

برزگرزاده، عباس (۱۴۰۰). *حقوق بشر و مسئله شهروندی*. بوشهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

بهمنی قاجار، محمد علی (۱۳۸۹). حقوق کار ایران و موازین حقوق بنیادی کار. *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۲۷۹ و ۲۸۰). ص ۱۴۱-۱۳۴.

بیداروند، مختار؛ پورقهرمانی، بابک؛ و بیگی (۱۴۰۰). فیلترینگ تلگرام از بایستگی امنیت ملی تا نقض آزادی بیان. *فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب*، ۱۴(۴)، صص ۲۹-۴۷.

بیگی، علی؛ رنجبری، ابوالفضل؛ محمدزاده اصل، محمد؛ بیگی، جمال. (۱۳۹۹). حق بر آزادی کار و منع بیگاری در نظام بین المللی کار و حقوق اسلام. *فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب*، ۱۴(۴)، صص ۵۷-۷۸.

پورجعفر، آزادی (۱۳۸۹). *سازمان بین المللی کار*. تهران: انتشارات مجد.

حسینی، سید سجاد (۱۳۹۴). *حقوق بنیادین کار در نظام حقوقی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

خوش کار، علی رضا؛ و عباسی، محمد رضا. (۱۳۹۳). *مقاله نامه های بنیادین*. تهران: انتشارات یادداشت.

رستمی، ولی؛ و سعیدی پلمی، مرتضی (۱۳۹۶). حقوق بنیادین کار در مقاله نامه های سازمان بین المللی کار و نظام حقوقی ایران. *نشریه کار و جامعه*، (۲۱۳)، صص ۲۶-۴۰.

زحیلی، وهبه (۱۴۲۲). *الفقه الاسلامی و ادلته*، ج ۶. بیروت: دارالفکر.

سپهری، محمد رضا (۱۴۰۰). *حقوق بنیادین کار*. تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی.

سعیدیان، محمد رضا (۱۳۸۴). *حقوق بنیادین کار*. مجله کار و جامعه، ۸(۶۲)، صص ۲۶-۲۲.

صفائی، سید حسین (بی تا). *حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر*، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی. صص ۱۵-۱.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی التفسیر القرآن*، ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عراقی، عزت الله؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۵). *تحول حقوق بین المللی کار*. تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی.

فرضی، علی رضا؛ جلالی، محمود؛ و رئیسی، لایلا (۱۳۹۸). پیاده سازی اعلامیه جهانی حقوق بشر مبتنی بر تعالیم اسلامی با تأکید بر رعایت حقوق شهروندی. *مجله اخلاق زیستی، ویژه نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی*، ۹(۱)، ۲۶۹-۲۵۷.

کوثری، وحید؛ مشهدی، علی؛ و سلمان نوری، مهسا (۱۳۹۸). نقدی بر اعلامیه ۱۹۹۰ قاهره پیرامون حقوق بشر در اسلام: خلاء مبانی یا سایه سنگین الگوی غربی؟. *دوفصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی*. ۸(۱۶)، صص ۷۳-۵۷.

مشهدی، علی؛ و سرحدی، وحید (۱۳۹۶). *حقوق بنیادین کار و مولفه های آن در محتوای آرای دیوان عدالت اداری*، سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی. صص ۱۰-۱.

مطهری، مرتضی (۱۴۲۰). *مجموعه آثار*، ج ۹. قم: انتشارات صدرا.

منتظری، حسینعلی (۱۳۶۹). *دراسات فی الولا یه الفقیه*، ج ۱. قم: انتشارات تفکر.

مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۵). *الولا یه الالهیه الاسلامیه*، ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

هاشمی، محمد (۱۴۰۰). *حقوق بشر و آزادی های اساسی*، ویرایش دوم، تهران: نشر میزان.

Abolition of Forced Labor Convention, (1957), 105.

Declaration on Fundamental Principles and Rights at work, (1998).

Discrimination (Employment and Occupation) Convention, (1958), 111.

Equal Remuneration Convention, (1951), 100.

Freedom of Association and protection of the Right to Organize Convention, (1948), 87.

Forced Labor Convention, (1930), 29.

ILO Declaration on fundamental principles and rights at work and its follow-up (produced by the publication unit (PRODOC) of the ILO), (2022).

Jone K; Aparecido., (2014). the fundamental convention on. 87 of the International Labor Organization union's freedom of Association in BRAzil and in the unitedstates ILSA *Journal of International Comparative Law*. 23(3).

Kolben; K., (2010). labor rights as human rights, *Virginia Journal of International labor* (50) 2.

Minimum Age Convention, (1973), 138.

Right to Organize and Collective Bargaining Convention, (1949), 98.

Universal Declaration of Human Rights, (1948).

Worst Forms of Child Labor Convention, (1999), 182.

